سلسله درس های مهدویّت

حلقه یازدهم

برکات انتظار

ekalam.ir

دکتر سیّد محمّد نبی هاشمی

سرشناسه: بنی‌هاشمی، سیّد محمّد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: برکات انتظار؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقهٔ یازدهم / سیّد محمّد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.
شابک جلد یازدهم: ۱ـ۲۱۲ـ۵۳۹ـ۹۶۴ـ۹۷۸
شابک دوره: ۲ـ۱۵۸ـ۵۳۹ـ۹۶۴ـ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.
موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸ س ۸۳ ب / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیویی: ۴۶۲ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

شابک ۱ـ۲۱۲ـ۵۳۹ـ۹۶۴ـ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 212 - 1

برکات انتظار

سیّد محمّد بنی‌هاشمی
ناشر : مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ : اوّل / ۱۳۸۹
تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه
حروفچینی : شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
چاپ : صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۱۸ ۵۲ ۷۷ (۶ خط)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۸۰۱ ۶۶ ۳۳۵ (۴ خط) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)
وب سایت: http : // www.monir.com
پست الکترونیک: info @ monir.com

دیگر مراکز پخش: نشر نیک‌معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵ * دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰
نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * پخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۳۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحیم

ekalam.ir

ekalam.ir

این حلقه به نیابت از:

رشک مشتاقان ولیّ عصر ارواحنا فداه

علّامه سیّد مهدی بحرالعلوم رحمه‌الله

به پیشگاه:

دخت مظلوم سیّدالشّهداء علیه‌السلام

حضرت رقیّه علیهاالسلام

تقدیم می‌گردد.

ekalam.ir

ekalam.ir

فهرست مطالب

فصل اوّل: آثار و برکات انتظار در زمان غیبت ۱۵
درس اوّل: آثار نزدیک دانستن ظهور ۱۵
کسب رضای امام علیه‌السلام ۱۶
همراه کردن دیگران ۱۸
آفات دور دانستن ظهور ۱۹
درس دوم: تقوای الهی (۱) ۲۲
مرحلهٔ اوّل از لوازم انتظار: زندگی با یاد امام علیه‌السلام و مطابق پسند ایشان ۲۲
۱ ـ رعایت تقوا و ورع ۲۴
عمل به واجبات ۲۴
پرهیز از محرّمات ۲۶
عمل بدون تقوا ۲۷
درس سوم: تقوای الهی (۲) ۲۹
قبولی اعمال ۲۹
اصرار نداشتن بر گناه ۳۳

ekalam.ir

منتظر فرج باید با ورع‌ترین باشد ۳۵
درس چهارم: خوف از عدل خدا ۳۸
۲ ـ خوف و رجاء واقعی ۳۸
لازمهٔ جدایی‌ناپذیر ایمان ۳۸
منشأ خوف ۳۹
ترس از عدل الهی ۴۱
نشانهٔ خوف ۴۵
درس پنجم: رجاء به فضل خدا ۴۷
رجاء واقعی یا امید واهی؟ ۴۷
همراهی رجاء با خوف ۵۲
پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۵ ..... ۵۶
درس ششم: دشمنی دنیا (۱) ۵۷
۳ ـ بغض دنیا ۵۷
اهمّیّت بغض دنیا ۵۷
تأسّی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۵۸
معیار جدایی از خدا ۶۲
درس هفتم: دشمنی دنیا (۲) ۶۵
وسوسهٔ شیطانی ۶۵
شناخت حقیقت دنیا ۶۷
زهد نسبت به دنیا ۶۹
درس هشتم: راه عملی کردن زهد ۷۲
کم کردن تعلّقات دنیوی ۷۲
اکتفا به اندازهٔ ضروری ۷۳

ekalam.ir

مظاهر فریبندهٔ دنیا ۷۵
یادی از استاد ۷۷
درس نهم: زندگی مورد پسند امام عصر علیه‌السلام ۸۱
چشیدن محبّت خدا ۸۱
توجّه به آخرت ۸۳
دنیاطلبی، ناپسند امام علیه‌السلام ۸۴
پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۶ تا ۹ ..... ۸۸
درس دهم: رابطهٔ متقابل آرزوها و شخصیّت انسان ۸۹
مرحلهٔ دوم از لوازم انتظار: آرزوی یاری امام علیه‌السلام و پیوستن به ایشان ۸۹
رابطهٔ آرزوها با عالم درون ۸۹
رابطهٔ میان نیّت و همّت ۹۲
درس یازدهم: رابطهٔ متقابل آرزوهای منتظر و شخصیّت او ۹۶
تأثیر شدّت انتظار در آرزوهای منتظر ۹۶
بهترین آرزوها ۹۷
تأثیر آرزوها در شخصیّت منتظر ۱۰۰
درس دوازدهم: مرابطه با امام علیه‌السلام و وقف کردن خود برای ایشان ۱۰۵
مرحلهٔ سوم از لوازم انتظار: آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه‌السلام ۱۰۵
مرابطه با امام عصر علیه‌السلام ۱۰۶
وقف نمودن خود برای امام علیه‌السلام ۱۰۹
درس سیزدهم: ادای حقّ مؤمن (۱) ۱۱۴
مرحلهٔ چهارم از لوازم انتظار: تربیت منتظران راستین ۱۱۴
وظیفهٔ دستگیری از ضعیفان ۱۱۴
احساس وظیفه و مسؤولیّت ۱۱۶

ekalam.ir

شناخت حقوق برادران دینی ۱۱۹
درس چهاردهم: ادای حقّ مؤمن (۲) ۱۲۲
تلاش شبانه روزی در ادای حقّ مؤمن ۱۲۲
فضیلت قضای حوائج مؤمنان ۱۲۵
درس پانزدهم: تحقّق بالاترین فرج برای منتظر ۱۳۰
رسیدگی به فرزندان معنوی امام عصر علیه‌السلام ۱۳۰
مودّت خالص برای امام علیه‌السلام، نشانهٔ کمال انتظار ۱۳۲
فرج مادّی برای منتظر ۱۳۴
پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۵ ..... ۱۳۷

فصل دوم: آثار و برکات انتظار در زمان ظهور ۱۳۹
درس شانزدهم: توفیق یاری امام علیه‌السلام در هنگام ظهور ۱۳۹
بالاترین آرزوی منتظر ۱۳۹
نمونهٔ منتظر واقعی ۱۴۲
درس هفدهم: نکات آموزنده در تشرّف مرحوم شیخ حسن کاظمینی ۱۵۲
بیشترین احتیاج ۱۵۲
وصیّ خود باش! ۱۵۳
جمع نکردن مال بیش از حدّ نیاز ۱۵۵
مژدهٔ وصال ۱۵۶
درس هجدهم: دو برکت دیگر انتظار فرج ۱۵۸
حصول ثواب یاری امام علیه‌السلام ۱۵۸
همراهی با امام عصر علیه‌السلام در طلب خون سیدالشهدا علیه‌السلام ۱۶۱
درس نوزدهم: آثار خواندن زیارت عاشورا ۱۶۵

ekalam.ir

مداومت بر زیارت عاشورا ۱۶۵
اثر شگفت ۱۶۷
خواندن چهل زیارت عاشورا ۱۶۸
درس بیستم: یادی از مصیبت حضرت علیّ اکبر علیه‌السلام ۱۷۳
نحوهٔ شهادت حضرت علیّ اکبر علیه‌السلام ۱۷۴
مدفن حضرت علیّ اکبر علیه‌السلام و برکات آن ۱۷۹
پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۶ تا ۲۰ ..... ۱۸۵

فهرست منابع ۱۸۷

ekalam.ir

ekalam.ir

در حلقهٔ گذشته مفهوم انتظار و درجات مختلف انتظار فرج را بیان کردیم و دربارهٔ ویژگی لحظه به لحظه بودن آن توضیح دادیم. اکنون باید از آثار و برکات انتظار برای شخص منتظر سخن بگوییم که در حقیقت فواید این عبادت بزرگ و بی‌نظیر می‌باشد.

همهٔ این آثار را می‌توان در یک کلمهٔ جامع خلاصه کرد و آن کلمهٔ «فرج» است. این تعبیر در یک حدیث شریف که از معارف جمعی جملی[1] اهل‌بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آید، از حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام نقل شده است:

اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ.[2]

انتظار فرج از بزرگترین فرج‌هاست.

همین بیان از امام صادق علیه‌السلام نیز روایت شده است:

مَنْ عَرَفَ هذَا الْاَمْرَ، فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِاِنْتِظارِهِ.[3]

---

۱ ـ جمعی به‌معنای فشرده، و جُمَلی به معنای خلاصه شده است. و «جَمْعی جُمَلی» یعنی بسیار فشرده و خلاصه که درعین اختصار همهٔ مطلب را در بر دارد.

۲ ـ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ ح ۴.

۳ ـ اصول کافی، کتاب الحجّة، باب أنّه من عرف امامه ...، ح ۳.

کسی که این امر (امامت و ظهور آن) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن آن، برایش گشایش حاصل می‌شود.

منظور از کلمهٔ «امر» در بسیاری از احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام امر امامت و ظهور آن است که با فرج امام عصر علیه‌السلام تجلّی کامل می‌یابد. حدیث اوّل، تعبیر انتظار فرج و حدیث دوم انتظار امر را به‌کار برده‌اند و هر دو یک مصداق دارند.

به هر حال مطابق فرمایش پیشوایان ما غیر از فرج امام زمان علیه‌السلام که فرج نهایی همهٔ اولیا و انبیای الهی و مؤمنان است، هر شخص منتظری همین انتظارش برای او فرج می‌باشد. بلکه می‌توان گفت که: پس از فرج امام عصر علیه‌السلام که بزرگترین فرج‌ها برای همهٔ مؤمنان است، بالاترین فرج جزئی برای شخص منتظر، همین انتظار اوست.

این عبارت، بسیار عمیق و حاوی نکات بسیار مهمّی است که به‌فضل الهی باید برای انسان روشن شود تا راه فرج خود را در زمان غیبت ـقبل از ظهورـ بشناسد. در یک جمله باید گفت: قبل از ظهور امام علیه‌السلام آن چیزی که مؤمن را از همهٔ خطرات، نگرانی‌ها، گمراهی‌ها و لغزش‌ها می‌رهاند، همین انتظار است. ما در این حلقه در صدد آنیم که به اندازهٔ بضاعت مُزجاتی که خداوند عنایت فرموده است، جلوه‌های مختلف این فرج را توضیح دهیم.این مقصود را در دو فصل به‌ترتیب دنبال می‌کنیم.

فصل ۱

آثار و برکات انتظار در زمان غیبت

درس اوّل: آثار نزدیک دانستن ظهور

برای اینکه آثار و لوازم انتظار را در شخص منتظر بهتر بشناسیم، مناسب‌ترین راه این است که از آنچه در حلقهٔ پیشین دربارهٔ تعریف انتظار از طریق ملزومات آن بیان کردیم، کمک بگیریم. در آنجا مهمترین عوامل به‌وجود آورندهٔ انتظار را چهار عامل دانستیم که دومین آنها در بحث فعلی بسیار تأثیرگذار است.

عامل دوم این بود که هر چه زمان وقوع آنچه را در انتظارش هستیم نزدیک‌تر بدانیم، انتظار ما شدیدتر می‌گردد. بنابراین بهترین راه برای شناخت آثار و برکات انتظار این است که فرض کنیم یقین پیدا کرده‌ایم که فرج امام عصر علیه‌السلام بسیار نزدیک شده است و بررسی کنیم که در این فاصلهٔ کم (تا فرج حضرت) حال انتظار چه لوازم و آثاری دارد، آنگاه چون به ما توصیه‌های فراوانی شده است که فرج امام علیه‌السلام را نزدیک

بدانیم، آثار و لوازم آن حالِ فرضی را به همهٔ زمانها سرایت بدهیم.

ابتدا زمان ظهور امام علیه‌السلام را بسیار بسیار نزدیک فرض می‌کنیم تا ببینیم این اعتقاد وجداناً چه آثاری در منتظر ظهور می‌گذارد. اگر به ما گفته شود که امام زمانتان قطعاً تا فردا ظهور می‌فرماید و ما به صدق این خبر یقین کنیم، در این یک روز، زندگی ما چگونه خواهد بود؟ هر کس می‌تواند با مراجعه به وجدان خود، این سؤال را پاسخ بدهد.

کسب رضای امام علیه‌السلام

در درجهٔ اوّل می‌توان گفت که:

در این یک روز، بیش از هر چیز و هر کس، یاد امام زمان علیه‌السلام و ظهور ایشان، دلهای ما را پر می‌کند و آنقدر که به فکر ایشان خواهیم بود، فکر دیگری ما را مشغول نخواهد کرد. علاوه بر این، قطعاً در این یک روزه کاری که خدا و امام زمان علیه‌السلام را ناخشنود می‌سازد، انجام نمی‌دهیم و اگر خطایی و گناهی از ما سرزده است، در این فاصله، همهٔ همّت خود را برای توبه و جبران آن به کار می‌بندیم.

اگر حقّی از دیگران بر عهدهٔ ما باقی مانده یا ظلمی در حقّ کسی مرتکب شده‌ایم، به‌سرعت در جهت طلب حلّیّت اقدام می‌کنیم. اگر عهد و پیمانی با امامِ خود بسته بودیم امّا در عمل به آن پای‌بند نبوده‌ایم، در این یک روز، کمال سعی خود را انجام می‌دهیم تا به آن عمل کنیم.

عبادت‌های ما نیز در این فاصله، معنویّت و اخلاص بیشتری پیدا می‌کند؛ نمازهای ما در این یک روز با گذشته تفاوت خواهد کرد و با حضور قلب بیشتری خواهد بود. در این مدّت کم، مُحال است که بیش از حدّ ضرورت و اضطرار، عمر خود را صرف امور دنیوی کنیم. نه تنها

فکر انجام دادن گناه به ذهنمان خطور نمی‌کند، بلکه حتّی دریغمان می‌آید که در این یک روز به امور مباح بپردازیم.

همهٔ تلاشمان این است که از این مدّت کم، بیشترین استفاده را در جهت کسب رضای خداوند و جلب خاطر مبارک امام علیه‌السلام ببریم. بالاترین نگرانی ما این است که نکند وقتی حضرتش تشریف می‌آورند، توجّهی به ما نکنند یا خدای ناکرده از ما روی بگردانند. برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید، سعی می‌کنیم خود را طوری مهیّا بسازیم که شایستهٔ استقبال از آن بزرگوار باشیم.

بالاترین آرزوی ما این است که در مواجهه با حضرت، شاهد لبخند رضای ایشان به روی خود باشیم و اینکه خطاب به ما بفرمایند: احسنتم! بارک الله! در غیاب من به وظایف خود خوب عمل کردید. من از شما سپاسگزار هستم.

علاوه بر همهٔ اینها در آرزوی یاریِ ایشان برای انجام اهداف مقدّسشان لحظه شماری می‌کنیم؛ با خود می‌گوییم آنچه را عمری در آرزویش بودیم و با امید وصالش زندگی را گذراندیم، یک روز دیگر، با چشمان خویش شاهد خواهیم بود و چه شیرین است آن لحظات!

آنچه را برای یاری کردن ایشان از قبل آماده کرده‌ایم، نزد خود حاضر می‌کنیم و تمام شرایط و زمینه‌ها را برای آنکه به حضرتش بپیوندیم و جزء بهترین یاوران ایشان باشیم، در خود فراهم می‌آوریم. خدای را شکر می‌کنیم که زنده‌ایم و سالم هستیم و ان‌شاء الله تا یک روز دیگر همهٔ امکانات مالی، آبرویی، زندگی و هستی خود را فدای قدوم محبوب عزیزتر از جان خود خواهیم کرد.

همراه کردن دیگران

آنگاه از خود می‌گذریم و سراغ سایر مؤمنان می‌رویم و آنها را هم مانند خود آمادهٔ استقبال و همراهی با امامشان می‌کنیم. اگر ببینیم که بعضی از آنها اشتیاقی و علاقه‌ای به این موضوع از خود نشان نمی‌دهند، با دلسوزی و از سَرِ شفقت و مهربانی سعی می‌کنیم تا آنها را با خود هم‌عقیده سازیم و دریغمان می‌آید که چنین فرصت طلایی و استثنایی را از دست بدهند. دلمان نمی‌آید که فردا وقتی خورشید امام علیه‌السلام طلوع می‌کند، کسانی از مؤمنان، خود را در بیغوله‌های تنگ و تاریک پنهان کنند و دانسته یا ندانسته از گرما و روشنایی این خورشید بی‌بهره بمانند.

به‌طور خلاصه سعی می‌کنیم سوز انتظاری که خداوند سر سوزنی از آن را به ما ارزانی داشته است، در حدّ توان به سایر مؤمنان هم سرایت دهیم؛ به این امید که آتش اشتیاقی که به لطف خدا و عنایت امام علیه‌السلام خرمن وجود ما را فراگرفته است، غافلان را هم فرا گیرد و در نتیجه همگی با هم به استقبال و یاری عزیز فاطمه علیهاالسلام بشتابیم. همهٔ عاشقان و شیفتگان آن دُردانهٔ هستی را دور هم جمع می‌کنیم و به ایشان می‌گوییم: بیایید خدا را صدها هزار مرتبه شکر کنیم که زمان خواندن این دعاها تا یک روز دیگر به سر می‌آید:

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا مِنْكَ بِغَدِهِ فَنَحْظىٰ؟ مَتىٰ نَرِدُ مَناهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوىٰ؟ مَتىٰ نَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مائِكَ فَقَدْ طالَ الصَّدىٰ؟ مَتىٰ نُغاديكَ وَ نُراوِحُكَ فَتَقَرَّ عُيُونُنا؟ مَتىٰ تَرانا وَ نَراكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النَّصْرِ تُرىٰ؟ أَتَرانا نَحُفُّ بِكَ وَ أَنْتَ تَؤُمُّ الْمَلَأَ وَ

قَدْ مَلَأْتَ الْاَرْضَ عَدْلاً؟[۱]

آیا امروزِ ما در ارتباط با تو به فردایش می‌رسد تا به آرزوی خود برسیم؟ چه وقت بر سر چشمه‌های پر آبِ سیراب کنندهٔ تو خواهیم رسید تا سیراب گردیم؟ چه موقع از آب شیرین و گوارای تو بهره‌مند می‌شویم؟ تشنگی ما طولانی گشته است! کِی می‌شود که با تو صبح و شام کنیم تا چشمان ما (به جمالت) روشن شود؟ کِی تو ما را و ما تو را می‌بینیم در حالی‌که پرچم پیروزی را برافراشته‌ای؟ راستی می‌شود ما را ببینی که به گِرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر همگان امامت می‌کنی در حالی‌که زمین را از عدالت پر ساخته‌ای؟!

و زمانِ «**نَحْنُ نَقُولُ اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعالَمینَ**»[۲] فرا می‌رسد. چنین الحمد لله‌ای هرگز در عمر خود نگفته‌ایم و یک روز دیگر به انجام این عبادت بزرگ رستگار می‌شویم.

همهٔ آنچه بیان شد، در این فرض بود که ما یقین به ظهور حضرت تا بیست و چهار ساعت آینده داشته باشیم؛ امّا اگر این فاصلهٔ زمانی بیشتر شود، هر قدر که طولانی‌تر گردد، شور و حرارت قبلی کمتر خواهد شد و به سردی بیشتری می‌گراید.

آفات دور دانستن ظهور

مثلاً اگر به‌جای یک روز، مطمئن شویم که ایشان یک هفتهٔ دیگر ظهور خواهند فرمود، در این فرض تقریباً همهٔ حالاتی که گفتیم برای

---

۱ ـ دعای ندبه (اقبال الاعمال ص ۲۹۸).

۲ ـ جمله‌ای از دعای ندبه.

انسان خواهد بود امّا با قدری شور و حرارت کمتر. چشم به راهی ما شدّت کمتری پیدا می‌کند و همین تفاوت در شدّت و ضعف انتظار، منشأ تفاوت‌هایی در رفتار ما در این دو فرض خواهد شد. مثلاً اگر در آن یک روز قطعاً می‌توانستیم بگوییم که خواب به چشمان ما نخواهد آمد، در این یک هفته چنین نیست و آن دلشوره و هیجان قبلی را در این فرض جدید نداریم. یا اینکه در آن یک روز یقیناً عمر خود را صرف کارهای بیهوده و حتّی تفریحی نمی‌کنیم، امّا در این یک هفته شاید دقایقی یا ساعاتی را به بطالت بگذرانیم. در مجموع، آن دقّت و تلاشی که در فرض اوّل برای استفادهٔ بهتر و کامل‌تر از فرصت باقیمانده به خرج می‌دهیم، در فرض بعدی به آن شدّت نخواهد بود.

حال اگر یک هفته به یک ماه تبدیل شود و در حقیقت، اطمینان پیدا کنیم که قبل از یک‌ماهِ دیگر حضرتش ظهور نمی‌فرمایند، در این‌صورت شور و اشتیاق ما در انتظار، کمتر و ضعیف‌تر می‌گردد و در نتیجه همهٔ آنچه بیان شد، سست‌تر و کمرنگ‌تر می‌شود. در این فرض احتمال اینکه اوقات بیشتری از عمر گرانقدر خود را تلف کنیم و بیهوده فرصت را از دست بدهیم، بسیار بیشتر از فرض قبلی است. اگر در آن یک روز و یک هفته فقط در حدّ نیاز ضروری به امور دنیوی و مادّی می‌پرداختیم، در این یک‌ماه آنقدر برایمان اهمّیّت ندارد که قدری از فرصت باقیمانده تا ظهور مولایمان را از دست بدهیم. اگر در آن یک هفته برای جبران حقوق دیگران که برگردن ما بوده، شتاب می‌کردیم، در این یک ماه خیلی عجله نمی‌کنیم و کار امروز را به فردا و پس فردا می‌اندازیم. اگر نمازها و سایر عبادت‌های ما در آن یک هفته، حال و صفای فوق‌العاده‌ای داشت، در این یک ماه به آن اندازه

حضور قلب ندارد و ... .

به‌طور کلّی هر چه فاصلهٔ خود را با ظهور بیشتر بدانیم، این آثار و نشانه‌ها به‌تدریج کم‌رنگ‌تر می‌شود. به همین دلیل اگر این فاصله از یک‌ماه به یک‌سال برسد، معمولاً آثار کمتری ظهور و بروز خواهد کرد. قطعاً غفلت نوع مؤمنان در این حالت بیشتر خواهد بود و چه بسا ساعت‌ها یا روزها یا حتّی هفته‌ها با فراموشی یاد ایشان بر بعضی بگذرد و از همین بابت هیچگونه احساس ضرر و زیان هم نکنند. آن شور و حرارت و هیجان در فرض‌های قبلی، در این فرض، بسیار ضعیف‌تر خواهد شد و عمل به وظایف یک منتظر واقعی سست‌تر می‌گردد.

بنابراین اگر می‌خواهیم آثار و لوازم انتظار فرج را وجدان کنیم، باید خود را در آن شرایط فرضی ببینیم تا لوازمش بیشتر برای ما ملموس گردد و آثار عملی آن را در خود بیابیم. مؤثّرترین عامل در ایجاد این حالت، همانا اعتقاد به این حقیقت است که امر فرج امام‌زمان علیه‌السلام در هر صبح و شام، بلکه در هر لحظه و هر ساعتی، امکان وقوع دارد و ما این مطلب را با استناد به بعضی از ادلّهٔ آن، در حلقهٔ گذشته اثبات نمودیم. هر چه ایمان شخص به آن حقیقت عمیق‌تر باشد، آثار ذکر شده به‌طور طبیعی ظهور و بروز بیشتری خواهد داشت. پس نتیجهٔ عملی بحث فعلی این است که برای رسیدن به آن لوازم مطلوب، باید از طریق ایجاد علّت آن که همان اعتقاد پیش‌گفته است، سیر کنیم.

در درس‌های آینده آثار و برکات انتظار در زمان غیبت را در طی چهار مرحله توضیح خواهیم داد.

درس دوم: تقوای الهی (۱)

مرحلهٔ اوّل از لوازم انتظار:
زندگی با یاد امام علیه‌السلام و مطابق پسند ایشان

اگر یک بار دیگر فرض نزدیک بودن ظهور امام علیه‌السلام را در حدّ یک روز برای خود تداعی کنیم، تصدیق خواهیم کرد که اوّلین و مؤثّرترین لازمهٔ آن، پُررنگ شدن یاد امام علیه‌السلام و غفلت نکردن از ایشان در همهٔ ساعات و دقایق زندگی است. منتظر واقعی امام‌زمان علیه‌السلام نمی‌تواند از یاد ایشان و انتظار قدومشان غافل شود. این چیزی نیست که به‌صورت تصنّعی در مؤمن به‌وجود آید، بلکه معرفت و محبّت و انتظارش او را به‌طور طبیعی به این حالت می‌رساند. خوب است این ویژگی را از زبان یک منتظر راستین فرج ـ مرحوم سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی رحمه‌الله ـ بیان کنیم:

و امّا انتظار قلبیِ کامل، پس به این حاصل می‌شود که شخص مؤمن در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکان‌ها، از یاد امامش و انتظار قدوم مبارکش خالی و فارغ نباشد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می‌شود و با اهل عالم گفتگو می‌کند، قلبش پیش امام علیه‌السلام باشد و به انتظار او و خیال او و شوق وصال او باشد. مثل شخصی که اولادش منحصر باشد به یک نفر و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسته باشد و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد، تصوّر کن آیا یک ساعت از خیال او بیرون می‌رود یا آنکه از جستجوی او تغافل می‌کند؟ حاشا و کلّا! بلکه شب و روز بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکنات، محبوب او پیش نظر او ممثّل است چنانچه شاعر گفته:

ای غایب از دو دیده چنان در دل منی

کز لب گشودنت به من آواز می‌رسد

... و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال رسید، آثار ظاهریّهٔ او هم به درجهٔ کمال می‌رسد.[1]

زندگی با یاد امام زمان علیه‌السلام از جنبهٔ تربیتی بسیار بسیار سازنده است و خیرات و برکات زیادی از این طریق به شخص منتظر می‌رسد. یاد امام علیه‌السلام و توجّه دائمی به ایشان باعث می‌شود که انسان در همهٔ صحنه‌های زندگی‌اش مطابق با خواست ایشان عمل کند و حرکات و سکناتش را با پسند ایشان تنظیم کند.

---

۱ ـ راز نیایش منتظران ص ۲۹ و ۳۰.

شاهد دانستن ایشان در همهٔ امور ـ چه کارهای پنهان و چه آشکار ـ سبب می‌شود تا منتظر فرج، دست از پا خطا نکند و همواره مسیری را پیش بگیرد که به جلب رضای خاطر امامش اطمینان حاصل کند. حفظ دین برای این شخص مهم‌تر از هر مسأله دیگری است و حاضر نیست به هیچ قیمتی و برای رسیدن به هیچ لذّتی از کسب خشنودی امامش صرف‌نظر کند. چون می‌داند که اهل تقوا محبوب مولایش هستند، در تهذیب نفس خویش از رذائل اخلاقی و مفاسد روحی می‌کوشد. نمی‌تواند خود را در وضعیّتی ببیند که اگر مولایش ظهور فرمود، از دیدن روی ایشان احساس شرمندگی و خجالت بکند. لذا خود را همواره به گونه‌ای می‌سازد که در اوّلین نگاه، لبخند خشنودی مولا را به روی خود امید داشته باشد.

اینجاست که پرداختن به تهذیب نفس و شناخت راه‌های آن برای منتظر فرج اهمّیّت ویژه‌ای پیدا می‌کند. ما در این خصوص بر سه محور اساسی تربیت روحی که نقش مهمّی در سازندگی انسان دارند، اشاره می‌کنیم:

۱ ـ رعایت تقوا و ورع

عمل به واجبات

اوّلین و پایه‌ای‌ترین شرط سازندگی خود، عمل به واجبات دینی و اهتمام داشتن نسبت به انجام آنهاست. مؤمن منتظر نمی‌تواند ببیند که واجبی از او فوت می‌شود و می‌داند که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، عمل به فرائض است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

قالَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالی: ما تَحَبَّبَ اِلیَّ عَبْدی بِأحَبَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَیْهِ.[۱]

خداوند تبارک و تعالی فرمود: بندهٔ من به وسیلهٔ چیزی محبوب‌تر از انجام واجبات به من اظهار دوستی نکرده است.

البتّه مقیّد شدن به انجام واجبات سختی دارد و مطابق طبع حیوانی و راحت‌طلبِ نفس انسان نیست، ولی منتظر واقعی بر این امر صبر پیشه می‌کند و خود را برخلاف امیال نفسانی به‌انجام آنها مقیّد می‌سازد.

امام صادق علیه‌السلام در ذیل آیهٔ شریفهٔ:

«یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»[۲]

فرمودند:

اِصْبِرُوا عَلَی الْفَرائِضِ[۳]

بر (انجام) واجبات صبر کنید.

اگر عمل به واجبات زحمت و سختی نداشت، تعبیر «صبر» در مورد آن مناسب نبود. انسان باید برای درک این مقام، قدری خودش را به زحمت بیندازد و مقیّد کند تا به انجام طاعات عادت کند و کم‌کم سختی و تلخی ابتدائیِ انجام آن ـ که احتمالاً برای بعضی افراد وجود دارد ـ به سهولت، شیرینی و لذّت تبدیل شود. منتظر واقعی به درجه‌ای از ایمان

---

۱ ـ اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اداء الفرائض، ح ۵.

۲ ـ آل‌عمران / ۲۰۰.

۳ ـ اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اداء الفرائض، ح ۲.

می‌رسد که توفیق در عمل به واجبات بیش از هر لذّت دیگری برایش شیرین است و ارتقا یافتن به رتبهٔ متّقیان از هر چیز دیگری او را بیشتر خوشحال می‌سازد. او می‌داند که بالاترین درجهٔ تقوا از طریق عمل به واجبات برای او حاصل می‌شود. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

اِعْمَلْ بِفَرائِضِ اللهِ، تَكُنْ اَتْقَى النّاسِ.[1]

به واجبات الهی عمل کن تا متّقی‌ترین مردم باشی.

همچنین بالاترین عبادت خداوند همین است که کسی واجبات را درست ادا نماید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

اَعْبَدُ النّاسِ مَنْ اَقامَ الْفَرائِضَ.[2]

عابدترین مردم کسی است که واجبات را به‌پا دارد.

برترین عبادت خدا را اعمال مستحبّی ندانسته‌اند و عابدترین فرد کسی نیست که مستحبّات بیشتری انجام دهد. با این وجود ارزش انجام مستحبّات و تأثیر آن در بالا بردن مرتبهٔ عبادت غیرقابل انکار است.

پرهیز از محرّمات

در کنار عمل به واجبات و هم‌ارز آن، پرهیز و دوری از محرّمات الهی است. منتظر امام زمان علیه‌السلام به دنبال راهی است که او را به ایشان هر چه بیشتر نزدیک سازد تا هنگام استقبال از مولایش جزء دوستان و عزیزان ایشان قرار بگیرد. بر طبق احادیث، تقرّب به امام عصر علیه‌السلام جز از طریق تقرّب به خداوند نیست و بهترین راه تقرّب به پروردگار،

---

۱ ـ اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اداء الفرائض، ح ۴.

۲ ـ بحارالانوار ج ۷۱ ص ۲۰۶ ح ۱۳.

حریم گرفتن نسبت به محرّمات است که از آن به «ورع» تعبیر می‌شود. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

فیما ناجَی اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مُوسی علیه‌السلام: یٰا مُوسیٰ، ماتَقَرَّبَ اِلَیَّ الْمُتَقَرِّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحارِمی.[۱]

از جمله مناجات‌های خدای عزّ و جل با حضرت موسی علیه‌السلام این بود که فرمود: ای موسی، کسانی‌که (به من) تقرّب می‌جویند، با هیچ وسیله‌ای همچون پرهیز و حریم گرفتن از محرّمات من، به من تقرّب پیدا نمی‌کنند.

«ورع» کمالی است در انسان که زمینهٔ پرهیز و حتّی فرار از گناهان را در او فراهم می‌کند، به‌طوری‌که از نزدیک شدن به آن وحشت دارد و از ترس اینکه مبادا به حرام بیفتد، به حدّ و مرز آن نزدیک هم نمی‌شود. به همین جهت در ترجمهٔ آن، تعبیر حریم گرفتن را به کار بردیم.[۲]

ekalam.ir

عمل بدون تقوا

اگر تقوا و ورع نباشد، هیچ امیدی به اعمال خوب آدمی نیست؛ چون همهٔ آنها در معرض تباهی و از دست رفتن است. امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیهٔ شریفه:

«وَ قدِمْنا اِلیٰ ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً».[۳]

---

۱ ـ اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اجتناب المحارم، ح ۳.

۲ ـ توضیح کامل‌تر را در بحث وَرَع می‌توانید در درس هفدهم از حلقهٔ ششم مطالعه فرمایید.

۳ ـ فرقان / ۲۳.

و به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند رفتیم پس آن‌را غباری پراکنده (نابود) ساختیم.

چنین فرمودند:

أما وَاللهِ اِنْ کانَتْ اَعْمالُهُمْ اَشَدَّ بَیاضاً مِنَ الْقَباطیِّ[1] وَلکِنْ کانُوا اِذا عَرَضَ لَهُمُ الْحَرامُ لَمْ یَدَعُوهُ.[2]

بدانید قسم به‌خدا هر آینه اعمال آنها از پارچه‌های نازک کتانی سفید رنگ، سفیدتر بود، امّا چون در معرض کار حرام قرار می‌گرفتند، از آن نمی‌گذشتند.

کسانی که در آیهٔ شریفه اعمالشان «**هباءً منثوراً**» شده است، به فرمودهٔ امام صادق علیه‌السلام اعمالشان بسیار خوب و در مقایسه با پارچه‌های سفید رنگ کتانی مصری، روشن‌تر و سفیدتر بوده است. دلیل تباه شدن آن اعمال خوب، چیزی نبوده جز اینکه ایشان تقوا نداشتند و اگر در معرض عمل حرامی واقع می‌شدند، نمی‌توانستند از آن بگذرند؛ آنقدر خویشتن‌دار و خودنگهدار نبودند که بتوانند از آلوده شدن به معصیت، خود را سالم نگه دارند.

---

۱ ـ قَباطیّ یا قُباطیّ جمع «قُبطیّه» است و به معنای پارچه‌های کتانی نازک سفید رنگ است که در مصر بافته می‌شود (المعجم الوسیط ص ۷۱۱).

۲ ـ اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اجتناب المحارم، ح ۵.